

فصلنامه علمی - تخصصی معارف علوم اسلامی و علوم انسانی

سال ۴ - تابستان ۱۴۰۳ - شماره هفدهم - ص ۷۴-۸۶

بررسی چالش های سیاست امنیت گرا به عنوان سیاست کیفری

مریم اکبری ارباطان^۱

فاطمه فلکی^۲

سحر شب زنده^۳

چکیده

سیاست کیفری امنیت گرایی بر خلاف سیاست عدالت محوری، با جرایم تند و سختگیرانه برخورد می کند با بررسی ماهیت و تبیین اهداف، مبانی و روش های سیاست جنایی چه در مفهوم مضیق و چه در مفهوم موسع آن، روشن می شود که سیاست جنایی با اخلاقیات و ارزش ها ارتباط ناگسستگی دارد. لذا نمی توان سیاست جنایی را بدون لحاظ لایه ها و رگه های اخلاقی و ارزشی مورد بررسی قرار داد. امنیت گرایی که نوعی سیاست جنایی می باشد برای رسیدن به اهداف خود در جامعه و اجرای صحیح، نیازمند انطباق با موازین حقوق بشری محدود کننده و رعایت حریم خصوصی می باشد و بدون توجه به موازین گفته شده، در طولان مدت در برخورد با پدیده های جنایی با شکست مواجه خواهد شد. سیاست کیفری امنیت مدار در ایران را می توان برگردانی از سیاست تسامح صفر به شیوه آمریکایی دانست، هرچند اجرای این سیاست بدون توجه به حقوق شهروندی باعث بی نظمی هایی ناشی از افراط پلیس گردید که منجر شد دولت آمریکا به اصلاح این راهبرد اقدام نماید. چرا که به نظر میرسد جرم انگاری های افراطی و استفاده حداکثری از ضمانت اجراهای کیفری در برخورد با جرایم، تا زمانی که جامعه بستری مناسب برای پرورش جرم داشته باشد، نه تنها کارایی لازم را نداشته باشد بلکه اعتبار قوانین کیفری را در میان توده های مردم متزلزل خواهد کرد. بنابراین سیاست کیفری چه در مرحله کشف جرم چه در سایر مراحل دادرسی باید بر مبنای واقعیات اجتماعی بوده و بر تدابیر پیشگیرانه غیر کیفری و غیر قهر آمیز استوار گردد.

کلمات کلیدی: امنیت گرایی، عدالت محوری، قانون پاترویوت، قانون سه ضربه، تسامح صفر، کشف جرم

^۱ - دانشجوی رشته فقه و حقوق دانشگاه بین المللی چرخ نیلوفری آذربایجان mariamakbariarbatan@gmail.com

^۲ - دانشجوی رشته فقه و حقوق دانشگاه بین المللی چرخ نیلوفری آذربایجان. azita.falaki.abfa@gmail.com

^۳ - دانشجوی رشته فقه و حقوق دانشگاه بین المللی چرخ نیلوفری آذربایجان. saharshabzend@gmail.com

مقدمه

امنیت مهم ترین دغدغه بشر در طول تاریخ بوده است وضعیتی که در آن انسان با آسودگی خیال، می تواند مطمئن باشد از همه نا امنی ها مصون است و همه نیازهایی که می تواند موجبات تشویش و اضطراب او را به وجود آورند، از زندگی فردی و اجتماعی او رخت بر بسته است. سلبی و ایجابی بودن اولین وصف امنیت می باشد؛ امنیت گاه سلبی است، یعنی ایمن سازی محیط زندگی انسان، با اعمال سلبی تحقق پیدا می کند. در این حالت با از بین بردن موانع و تهدیدهایی که موجب هراس و وحشت انسان می شود به طرف زمان و مکان زندگی انسان ایمنی بخشیده می شود. این اعمال شامل مصونیت ها و محدودیت هایی می شود که انسان در پناه آن به ایمنی و آرامش می رسد. گاه امنیت ایجابی است. در این حالت به امنیت به مثابه مفهومی مستقل نگریسته شده و به نبود تهدید محدود نشده و علاوه بر آن، وجود شرایط و بسترهای مساعد برای تولید و حفظ آن در نظر گرفته می شود.^۱ یعنی تأمین امنیت با فرایندهای ایجابی و مثبت محقق می شود؛ مثلاً برنامه ریزی برای تأمین اجتماعی و ایجاد انواع بیمه ها و یا تبعیض مثبت. در جوامعی که محرومیت ها و فقر، زندگی عادی و روزمره انسان را تهدید می کند، اینها مثال هایی برای امنیت ایجابی می باشند.^۲

آیین دادرسی در جهت حمایت از امنیت، حالت سرکوبگر و سخت گیرانه به خود گرفته و با اولویت دادن به امنیت در تعامل با آزادی های فردی صحنه به چالش کشیده شدن ارزش های حقوق بشری را فراهم می کند. از جمله این چالش ها عبارت است از: تقابل هایی که با اصول حقوق بشر و حقوق شهروندی و

^۱ - کاویانی، محمدادی، بررسی حق امنیت فردی و چالش های آن با امنیت ملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس دانشگاه تهران، ۱۳۹۰، ص ۳۹-۳۵
^۲ - می توان سلبی یا ایجابی بودن امنیت را به منزله شیوه هایی برای تأمین امنیت دانست. بدیهی است با این تلقی، سلبی و ایجابی بودن امنیت، صفتی از اوصاف امنیت نیست بلکه راهکاری برای رسیدن به آن است.

آزادی های مدنی پیدا می کند، تعارض هایی که با اصول مرحله کشف جرم دارد و همچنین مغایرتی که با اهداف خود پیدا می کند که در ادامه به توضیح این مطالب پرداخته می شود.

تقابل با اصول حقوق بشر، حقوق شهروندی و آزادی های مدنی

امروزه بسیاری از طرفداران گفتمان حقوق بشر، مدعی اند سیاست کیفری امنیت گرا، معارض حقوق بنیادین بشر است. به عنوان مثال، در بعد پیشگیری وضعی از جرم که تقویت آماج های احتمالی جرم و دشواری ارتکاب آن بر محور بر هم زدن عقلانیت اقتصادی و محاسبه گر بزهکار در کانون توجه قرار دارد، حامیان حقوق بشر مدعی اند برنامه هایی همانند نصب و بکار بستن دوربین های مدار بسته در سطح شوارع و داخل مراکز عمومی و خصوصی دیگر از مجرای منطق این مدل از پیشگیری، نقض صریح حقوق بشر است. این درحالی است که مدافعان و تئوریسین های پارامتری های امنیت مداری در عرصه سیاست جنایی، ضمن کنار زدن این شبهات سعی در تحکیم مبادی توجیهی توسل به چنین تکنولوژی هایی در عرصه مبارزه با تبهکاری و پیشگیری از جرم دارند.

از آنجا که بسیاری از آموزه های حقوق بشر امروزه توسط رویکردهای واقع گرا به چالش کشیده شده و متهم به ذات شعاری و انفعالی و دست نیافتنی گشته اند، دانش سیاست جنایی که شخصیتی کاملاً عملی و کاربردی دارد، در حوزه مبارزه با پدیده جنایی توانسته است به نحو روشنی سطح شائبه این مسائل را به تصویر کشیده و با اتخاذ راهبردهایی اجرایی و متناسب با واقعیات امروز جوامع مختلف، سبب به حاشیه راندن احتمالات موصوف و پیراستن بافت نقشه ها و برنامه های اتخاذی نظام اجتماعی در این حوزه گردد. به عبارت دیگر سیاست کیفری امنیت گرا در قلمرو جرایمی مانند جرایم تروریستی و جرایم خشونت آمیز،

^۱- Spencer, Maureen; Human Rights, second edition, London, sweet & maxweel publication, 2004, p115.

با لحاظ میزان خطرناکی مجرمان و یا بر اساس قلمرو برهم خوردن نظم و آرامش اجتماعی، از آرمان های حقوق بشر عبور خواهد کرد، که حدود و مرزبندی این امر با ابهامات اساسی روبرو شده است.

جهت گیری امروزی و امنیت مدار سیاست های کیفری که رفته رفته بسوی تفوق کامل مداخله دولت بر قلمرو مداخله جامعه مدنی و حذف تدریجی اقتدار آن در حال حرکت می باشد، به نحو قابل ملاحظه ای به متروک ماندن و تعطیل شدن تدریجی اصل «لزوم توسعه اقتدار و قلمرو مداخله جامعه مدنی به موازات افزایش مداخله دولت در امر پیشگیری و پاسخگویی به پدیده جنایی» دامن زده است. این فرایند به شدت از سوی مدافعان حقوق بشر به چالش کشیده شده و نقاط ضعف و کاستی های فراوان آن که عمدتاً یادآور ایرادات وارده به جنبش بازگشت به کیفر و راهبرد توسعه قلمرو مداخله حقوق کیفری در امر انتظام اجتماعی می باشند، به خوبی ترسیم و برجسته گشته است.

چالش دیگری که در رابطه با سیاست امنیت گرا وجود دارد مربوط به ایدئولوژی های این سیاست جنایی با تفکرات بشردوستانه می باشد.

از جمله نمونه هایی که بر اساس تفکر امنیت گرا تصنیف شده است؛ قانون پاتریوت آمریکا می باشد، این قانون به وضوح اصل رعایت حقوق شهروندی را به چالش کشیده است؛ در بخش هجدهم این قانون آمده است که رئیس جمهور برای حفاظت از ایالات متحده آمریکا اقدامات لازم را انجام داده و به این منظور برای ارتکاب اعمالی چون مداخله در حریم خصوصی افراد، تفتیش و شنود مکالمات تلفنی نیازی به مجوز دادگاه ندارد. این در حالی است که این قانون طبق یک قاعده کلی رفتارهایی چون شنود مکالمات تلفنی و تفتیش محتوای ایمیل ها، داد و ستدها و حساب های بانکی شهروندان را بدون مجوز دادگاه ممنوع و قابل مجازات دانسته بود. بنابراین، خارج شدن رئیس جمهور از شمول این قاعده بیش از پیش هویت سیاسی

و امنیت مدار قانون میهن پرستی را نمایان می سازد که از منظر موازین حقوق بشری، گزاره ای قابل تأمل است.

قانون میهن پرستی، گفتمان سیاست جنایی آمریکا را در نوع نگرش نسبت به مهاجران و اتباع خارجی، ارتباطات فضای مجازی و فعالیت های تجاری و بانکی با تغییر و تحول اساسی مواجه ساخته و فرصت اعمال محدودیت های گسترده ای را در این حوزه ها فراهم آورده است. به عنوان مثال، قانون مهاجرت و تابعیت مصوب ۱۹۵۲ متعاقب تصویب قانون موصوف اصلاح شده و به دولت آمریکا فرصت می دهد که چنانچه شخص یا اشخاصی را در مظان ارتکاب فعالیت های تروریستی تشخیص داد، بی آنکه حتی دلیل مستند و موجهی در دسترس باشد، بتواند وی را برای مدت زمانی توقیف نماید. لذا توسعه توسل به ابزارهایی چون «بازداشت موقت مبهم آمیز» از مجرای استناد به قانون اصلاحی مهاجرت و تابعیت، آشکارا تمایل منطق سیاست جنایی قضایی و قانونی آمریکا را به سوی نوعی امنیت مداری حداکثری و تهاجمی نشان می دهد که ممکن است با بسیاری از اصول دادرسی منصفانه و حقوق بشری در تقابل قرار گیرد.^۱

قانون میهن پرستی (پاتریوت) که قلمرو و سرزمین فکری برخی از اصول بنیادین و حقوق بشری نظام عدالت کیفری را با ابهام و تردید مواجه ساخته است، از جمله قوانینی است که تصویب و اجرای آن با چالش های حقوقی، سیاسی و اجتماعی بسیار گسترده ای همراه بوده است. موافقان این قانون، آنرا بهترین و مؤثرترین راهکار برای مبارزه با تروریسم و پیشگیری از آن می دانند. اما مخالفان، دلایل گوناگونی برای ادعای خود ارائه می نمایند که مهمترین آنها نقض جلوه های گوناگون آزادی ها و حقوقی است که رسالتشان صیانت از کرامت، شخصیت و حق خلوت انسان است. مجاز شمردن توقیف نامحدود و بی قید و شرط

^۱- Martin, K; The U.S.A PATRIOT Acts opplication to library parton records, journal of legislation, no. 29, ۲۰۰۳, □۲.

مهاجران، تفتیش بدون مجوز محل زندگی و کسب و کار آنها، بازرسی بدنی، پایش های وسیع ابعاد گوناگون ارتباطات و فعالیت های افراد اعم از ضبط شماره های تماس، شنود محتوای مکالمات تلفنی، کنترل آدرس ایمیل و محتوای آنها، جستجوی سوابق مالی، اطلاعات شخصی و محرمانه افراد و طبقه بندی آنها در پایگاه های عظیم داده، پایش های ویدئویی و... از جمله مصادیق چالش با حریم خصوصی و کرامت انسانی افراد است که گویی گفتمان امنیت مدار قانون میهن پرستی پاسخی قانع کننده برای دفع و کنار زدن آن نداشته است.^۱

تقابل اصول سیاست امنیت گرا با اصول مرحله کشف جرم

از مهم ترین اصول مرحله کشف جرم؛ اصل براءت می باشد که توسط سیاست امنیت گرا نادیده گرفته می شود. در دوران جدید، اصل براءت ابتدا در اعلامیه حقوق ایالات متحده آمریکای شمالی در سال ۱۷۸۹ و سپس در اعلامیه حقوق بشر فرانسه ۱۷۸۹ با عبارت: «هر انسانی بی گناه است مگر این که مجرمیت او ثابت شود» مورد توجه و تأکید قرار گرفت و از آنجا به کشورهای اروپایی و سایر کشورها تسری یافت و در قوانین موضوعه آنها منعکس گردید.

به رغم اینکه امروزه در اسناد بین المللی از جمله اعلامیه جهانی حقوقی بشر و نیز در نظام های حقوق داخلی کشورها، فرض براءت به عنوان یکی از معیارهای اصلی دادرسی عادلانه پذیرفته شده است، در راستای پیاده سازی سیاست کیفری امنیت گرا مبتنی بر سختگیری، نشان دار کردن متهمانی که هنوز هیچ اظهارنظری درباره مجرمیت یا براءت آنها صورت نپذیرفته، مجاز شمرده شده است. در قانون جدید آیین دادرسی کیفری، قانون گذار در برخی موارد، مقامات دادرسی را مجاز به بدنام نمودن متهمان نموده است. در ماده ۹۶

^۱ - محسنی، فرید، تحولات کیفری در قانون میهن پرستی آمریکا، فصلنامه دیدگاه های حقوق قضایی، سال هفدهم، دوره جدید، شماره ۶۰، ۱۳۹۱، ص ۱۹۵

^۲ - آشوری، محمد و دیگران؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، عدالت و انصاف، تهران، نشر گرایش، ۱۳۸۳، صص ۲۴۵ - ۳۴۴

این قانون هر چند انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم توسط رسانه ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع گردیده است، استثنائاتی نیز در این خصوص ذکر شده که دایره این استثنائات از گستردگی قابل توجهی برخوردار است.^۲ از نظر تطبیقی، در نظام کیفری کشور آمریکا نیز با ایجاد سامانه های الکترونیکی و تارنماها، امکان آگاه شدن افراد از اتهامات اشخاص وجود دارد.^۳

کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر مصوب ۱۹۶۹ نیز دربرگیرنده اصولی است که در مرحله کشف جرم بایستی مورد رعایت قرار گیرند. بر اساس بند ۱ ماده پنجم کنوانسیون «هر شخص حق دارد که تمامیت جسمی، روانی و اخلاقی اش محترم باشد.» همچنین ماده هفتم کنوانسیون حق آزادی شخصی را مورد تأیید و شناسایی قرار داده است: « ۱ هر شخص حق آزادی و امنیت خصوصی دارد. ۲ از هیچ کس نمی توان سلب آزادی بدن نمود مگر به دلایل و بر اساس شرایط از پیش تعیین شده به موجب قانون اساسی کشور مربوط یا بر اساس که طبق قانون اساسی وضع شده باشد. ۳ بر اساس این ماده کنترل هویت و توقیف اشخاص مغایر با حق آزادی شخصی است و در مواقع لزوم بایستی تشریفات رعایت گردد. کنوانسیون همچنین منع تجسس و بازرسی را در بند دوم ماده یازدهم خود مورد میان قرار داده است: « ۲ در زندگی خصوصی، خانواده، خانه یا مکاتبات هیچ کس نباید دخالت خود سرانه شود یا به شرافت یا حیثیتش غیر قانونی معترض شود.»

^۱ - به موجب این ماده: «انتشار تصویر و سایر مشخصات مربوط به هویت متهم در کلیه مراحل تحقیقات مقدماتی توسط رسانه ها و مراجع انتظامی و قضایی ممنوع است، مگر در مورد اشخاص زیر که تنها به درخواست بازپرس و موافقت دادستان شهرستان، انتشار تصویر و یا سایر مشخصات مربوط به هویت آنان مجاز است: الف متهمان به ارتکاب جرائم عمدی موضوع بندهای الف، ب، پ و ت ماده ۳۰۲ این قانون که متواری بوده و دلایل کافی برای توجه اتهام به آنان وجود داشته باشد و از طریق دیگری امکان دسترسی به آنان موجود نباشد، به منظور شناسایی آنان و یا تکمیل ادله، تصویر اصلی و یا تصویر به دست آمده از طریق چهره نگاری آنان منتشر می شود. ب متهمان دستگیر شده که به اتهام چند فقره جرم نسبت به اشخاص متعدد و نامعلومی نزد بازپرس اقرار کرده اند و تصویر آنان برای آگاهی بزه دیدگان و طرح شکایت و یا اقامه دعوی خصوصی توسط آنان منتشر می شود.»

^۲ - برای نمونه همان گونه که پیشتر ذکر شد، فقط یکی از این استثنائات، موارد موضوع بندهای الف، ب، پ، ت ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری است که شامل جرائم موجب سلب حیات، حبس ابد، قطع عضو و جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی با میزان ثلث دیه کامل یا بیش از آن، و جرائم موجب مجازات تزییری درجه ۴ و بالاتر است که این خود شامل طیف گسترده ای از جرائم می شود.

^۳ - Lee Dynes, Michael & Henry Edward Whitmer, *The Scarlet Letter of the Law: A Place for Shaming Punishment in Arizona*, 2013., p517.

برخورداری از حق دفاع از دیگر اصول این مرحله می باشد در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، این حق در ماده ۱۹۰ مورد تایید قرار گرفته است اما این حق بر اساس سیاست امنیتی که در تبصره ماده ۴۸ محدود شده است، این امر در حالی است که علاوه بر روح مواد آیین دادرسی کیفری مصوب ۹۲ که بیشتر به سمت رعایت حقوق شهروندی سوق دارد، یا اصول شناخته شده حقوق بشر نیز در تعارض می باشد.

«نکته دیگر اینکه گرچه به موجب ماده مذکور متهم با شروع تحت نظر میتواند تقاضای حضور وکیل نماید، در برخی از جرایم، اختیار مطلق برای برگزیدن وکیل دلخواه خود را ندارد. بدین ترتیب که به موجب تبصره ماده ۴۸ در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشمول ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوی، وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشند، انتخاب مینمایند. اسامی مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام میگردد. البته این تبصره در سال ۱۳۹۴ و به موجب اصلاحیه قانون آیین دادرسی کیفری جایگزین تبصره سابق شد، در تبصره سابق پیش بینی شده بود که در برخی از جرایم، متهم تا یک هفته پس از شروع تحت نظر قرار گرفتن، امکان ملاقات با وکیل را ندارد. این جرایم عبارت بودند از: جرائم سازمان یافته، جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور، سرقت، مواد مخدر و روانگردان و نیز جرایم موجب مجازات سلب حیات، جرایمی که مجازات آنها حبس ابد است و نیز جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو است و یا در زمره جنایات عمدی علیه تمامیت جسمانی محسوب می شوند که دیه آنها ثلث یا بیش از

^۱ - تبصره ماده ۴۸ قانون آیین دادرسی کیفری: « در جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی و همچنین جرایم سازمان یافته که مجازات آنها مشتمل ماده ۳۰۲ این قانون است، در مرحله تحقیقات مقدماتی طرفین دعوا وکیل یا وکلای خود را از بین وکلای رسمی دادگستری که مورد تأیید رئیس قوه قضائیه باشند، انتخاب می نمایند.

اسامی وکلای مزبور توسط رئیس قوه قضائیه اعلام می گردد.

ثلث دیه کامل است. این مسأله به جهات مختلفی از جمله سنگینی و اهمیت جرم و ملاحظات در خصوص حفظ محرمانگی تحقیقات و نیز اهمیت کشف حقیقت در این پرونده ها مقرر گردیده بود و اختصاصی به قانون ما نداشت بلکه در قوانین کشورهای مختلف نیز قابل مشاهده بود.^۱

در آمریکا به رغم آنکه به موجب کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر^۲ مصوب ۱۹۶۹ هر متهمی دارای حقوقی است که در مرحله کشف جرم بایستی مورد رعایت قرار گیرند، اما بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در مورد مظنونان جرایم موسوم به تروریستی میتوان نوعی سیاست سختگیرانه را در مرحله تحقیقات مشاهده نمود. « جورج بوش » در سال ۲۰۰۶ طرح جدیدی موسوم به رفتار خشن تر با مظنونان^۳ را به مجلس سنا تقدیم کرد. وی در این طرح در مورد بخشی از کنوانسیون ژنو در مورد چگونگی رفتار با بازداشت شدگان و محاکمه مظنونان به شرکت در اعمال تروریستی تعریفی جدید ارائه نمود.

علاوه بر موارد بالا یکسری حقوق دیگر هم هستند که در مقایسه با اصول سیاست امنیت گرا چالش بر انگیز می باشد؛ از جمله شرایط مقرر در بند چهار ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی^۴ گویای رویکرد سختگیرانه مقنن ایرانی است. در نظام قضایی آمریکا، تعلیق آن گونه که در نظام حقوقی ایران پیش بینی شده، وجود ندارد، اما این تاسیس ریشه در تعلیق مراقبتی دارد.^۵ اما به ویژه از دهه نود به این سو در اکثر ایالات آمریکا ملهم از سیاست تسامح صفر جانشین های شدیدتری مانند تعلیق مراقبتی فشرده و پادگان های

^۱ - حیدری، الهام، حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۷۱، تابستان ۱۳۹۴، ص ۴۹.

^۲- American Convention on Human Rights

^۳-So Tough On Suspects

^۴ - در این بند مقرر شده: « متهم سابقه محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال نداشته باشد».

^۵ - هاشم بیگی، حمید، تعلیق مراقبتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران، ۱۳۷۲، ص ۸۲

آموزشی اصلاحی زندان شوک آور به وجود آمده اند. این موارد بدلیل مربوط نبودن با مرحله کشف جرم از موضوع مقاله حاضر، خارج می باشد، لذا از پرداختن به آنها اجتناب می شود.

به طور خلاصه می توان تضمینات ناظر بر حق آزادی متهم مرحله کشف جرم را در موارد زیر

خلاصه نمود:

۱- مصونیت حریم خصوصی ارتباطات گفتاری و نوشتاری متهم^۲

۲- مصونیت حریم منازل، اماکن و اشیا متهم

۳- مصونیت متهم از تحت نظر قرار گرفتن خودسرانه

حقوق دفاعی متهم نیز در فرایند کشف جرم عبارت از موارد ذیل است:

حق داشتن وکیل، حق سکوت و حق اخذ مهلت مناسب به منظور تسهیل دفاع، حق برخورداری از

ضابطان ویژه آموزش دیده در اثنای بازجویی.

تمام موارد بالا ناشی از اصل برائت می باشد که در حقوق ایران و آمریکا توضیح آن در صدر مطلب

گذشت.

نتیجه

نتایج حاصل از اجرای این سیاست در زمانی نزدیک به سه دهه هم در آمریکا و هم در ایران پس از

انقلاب نشان می دهد که سیاست تسامح صفر در برابر بزهکاری یک سیاست جنایی نیست، بلکه یک سیاست

^۱ - آشوری، محمد، جایگاه زندان در سیاست کیفری معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶، ص ۲۳

^۲ - نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوطه های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران: جنگل جاودانه، ۱۳۸۷، ص ۲۵۲.

کنترل پلیسی مبتنی بر حفظ نظم است که بسته به زمان و مکان خاصی برای مدتی محدود می تواند پاسخگو باشد بدین معنا که از جنس راهبرد عملی (Practice) است و نه خط مشی کلی (Policy). لذا به فرهنگ سازی و استقرار ارزش های جدید منجر نمی شود.

به طور خلاصه کاهش مداخله حقوق کیفری در رفتارهای نابهنجار اجتماعی، تحدید جرم انگاری های افراطی و غیر ضرور، جرم انگاری بر اساس انتظارات و مطالبات عمومی جامعه، توجه نظام تقنینی بر کاهش آسیب های اجتماعی نظیر فقر، اعتیاد، بیکاری از طریق انسجام بخشی به وظایف نهادهای متولی این امر، عدم تلاش مقنن برای تغییر نگرش مردم با توسل به روش های قهر آمیز و سزاگرایانه، احترام به خواسته اکثریت و اقلیت جامعه مطابق با قانون اساسی، ترویج فرهنگ تحمل و تسامح به جای ترویج فرهنگ عدم تحمل و عدم تسامح از طریق جرم زدایی و حبس زدایی، کاهش مصلحت گرایی مقنن از طریق عنوان سازی های مجرمانه نوین را می توان به عنوان راهکارهای اصلاحی در جهت تعدیل سیاست های کیفری تقنینی ارائه نمود. از منظر سیاست کیفری قضایی، به نظر می رسد، برخی از مصادیق رفتاری که در آمریکا و ایران مورد واکنش کیفری قرار گرفته است، بیشتر با حوزه سیاست اجتماعی در ارتباط باشد بنابراین نباید برخی بی نزاکتی ها، ضد امنیتی و سیاسی تلقی گردد. همچنین افزایش نظارت بر نحوه رفتار کنشگران دستگاه قضایی با شهروندان، پیش بینی حق شکایت با تعیین شعب ویژه برای جبران خسارت آسیب دیدگان از تجاوزات و سوء رفتار پلیس و مقامات قضایی، استفاده از پلیس محلی برای پیشگیری و حفظ نظم، پیش بینی ضمانت اجراهای شدید برای برخورد با متخلفان و ناقضان حقوق و آزادی های قانونی شهروندان، استفاده ساز و کارهای کیفری فردگرایانه نظیر تعلیق مراقبتی و تعویق تعقیب در جرایم خرد را می توان به عنوان راهکارهای اصلاحی رویکرد سختگیرانه در سیاست کیفری قضایی، ارائه نمود.

با توجه به تمامی مطالب گفته شده آشکار می شود که اجرای سیاست امنیت گرا در مورد برخی جرایم لازم هست و این امنیت جامعه است که چنین نتیجه ای را می طلبد، به عبارت دیگر نگارنده نه به طور کامل با اجرای این سیاست مخالف می باشد و نه اجرای آن را در مورد اکثر جرایمی که هم اکنون با سیاست امنیت گرا با آنها برخورد می شود، صحیح می داند، لذا باید در مورد معیارهای تفکیک جرایمی که نیاز به برخورد امنیت گرا دارند با جرایمی که سیاست کرامت مدار با آنها متناسب تر است، تعیین تکلیف نمود که آیا باید بر اساس میزان مجازات یا شخصیت متهم و یا براساس آثار جرم در اجتماع، باید باشد.

به نظر نگارنده با توجه به تعریف سیاست امنیت گرا و هدف آن، تقسیم بندی بر اساس آثاری که جرایم از خود بر جای می گذارند و باعث رعب و وحشت در جامعه شده و امنیت دیگر را به خطر می اندازد، صحیح ترین معیار به نظر می رسد.

فهرست منابع و مآخذ

- آشوری، محمد و دیگران؛ حقوق بشر و مفاهیم مساوات، عدالت و انصاف، تهران، نشر گرایش،
- آشوری، محمد، جایگاه زندان در سیاست کیفری معاصر، مجموعه مقالات همایش راهکارهای کاهش جمعیت کیفری زندان، بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- حیدری، الهام، حقوق دفاعی متهم در دوران تحت نظر در قانون آیین دادرسی کیفری و بررسی تطبیقی آن با حقوق انگلستان، مجله دیدگاه های حقوق قضایی، شماره ۷۱، تابستان ۱۳۹۴.
- کاوبانی، محمدهادی، بررسی حق امنیت فردی و چالش های آن با امنیت ملی، پایان نامه کارشناسی ارشد، پردیس دانشگاه تهران، ۱۳۹۰.

محسنی، فرید، تحولات کیفری در قانون میهن پرستی آمریکا، فصلنامه دیدگاه های حقوق

قضایی، سال هفدهم، دوره جدید، شماره ۶۰، ۱۳۹۱.

نوبهار، رحیم، حمایت حقوق کیفری از حوطه های عمومی و خصوصی، چاپ اول، تهران: جنگل

جاودانه، ۱۳۸۷.

هاشم بیگی، حمید، تعلیق مراقبتی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق دانشگاه تهران،

۱۳۷۲.

Lee Dynes, Michael & Henry Edward Whitmer, The Scarlet Letter of the Law: A Place for Shaming Punishment in Arizona, 2013.

Martin, K; The U.S.A PATRIOT Acts application to library parton records, journal of legislation, no. 29, 2003.

Spencer, Maureen; Human Rights, second edition, London, sweet & maxweel publication, 2004.